

رؤیا و معرفت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۰۱

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰

نادر شکراللهی*

چکیده

رؤیاشناسی جوانب هستی‌شناختی، اخلاقی، روان‌شناختی، معرفت‌شناختی و... دارد. در این نوشته تنها به یک پرسش معرفت‌شناختی پاسخ داده شد: آیا رؤیا می‌تواند منبعی برای معرفت به بعضی از وقایع فراتر از بدن و روان ما به شمار آید؟ پاسخ این پرسش از نظر آیات و روایات و ادله عقلی مثبت است. سیره همیشگی عالمان دینی و اهل شرع نیز بر اعتماد به بعضی رؤیاها دلالت دارد. دلایل قرآنی، هشت رؤیایی است که قرآن به صورت تأییدی ذکر می‌کند و ادله روایی، روایات زیادی است که از سویی به اعتبار رؤیا دلالت می‌کند و از سویی دیگر به لزوم دقت در اعتماد به رؤیا توجه داده است. دلیل عقلی تجارب بشری در روی‌دادن چنین رؤیاهایی است که ابن سینا به آن استدلال کرده است. همچنین می‌توان بر اساس اصطلاحات و ادبیات معرفت‌شناسی جدید نیز بر این مدعا استدلال کرد. این نوشته در پی استدلال بر امکان معرفت‌بخشی برخی از رؤیاها، بر اساس ادله قرآنی، روایی و عقلی است؛ اما چند بحث خارج از مقصود ماست؛ از جمله بحث از دایره آموزه‌های قابل استفاده از رؤیا و نسبت معارف مبتنی بر رؤیا و معارف مبتنی بر دیگر منابع معرفت.

واژگان کلیدی: رؤیا، معرفت‌شناسی رؤیا، منبع معرفت، رؤیای صادق، رؤیای معرفت‌بخش.

مقدمه

رؤیاها را می‌توان از جنبه‌های مختلفی، همچون روان‌شناختی، هستی‌شناختی و اخلاقی بررسی کرد. یکی از آنها جنبه معرفت‌شناختی این واقعه است. مقصود این نوشته یکی از پرسش‌هایی است که از جنبه معرفت‌شناختی می‌توان پرسید: آیا می‌توان رؤیا را منبعی معرفتی برای وقایع و حقایق بیرون از جسم و روان قلمداد کرد؟ اگر به معناداری رؤیاها رأی دهیم، این معناداری از دو حال خارج نیست؛ یا معنای آن را در بعضی حالت‌های روانی یا جسمانی منحصر می‌دانیم یا بعضی از رؤیاها را دارای معنایی فراجسمی و فراروانی می‌دانیم. ادعای این نوشته منبع‌بودن رؤیا برای برخی از معارف فرروانی قابل استناد بر اساس رؤیا، بیرون از مقصود این نوشته است؛ همچنان‌که مقدار اطمینان از معارف رؤیایی و نسبت معارف مبتنی بر رؤیا و معارف مبتنی بر دیگر منابع معرفتی و همچنین دیگر پرسش‌های معرفت‌شناختی خارج از مقصود این نوشته است.*

مضمون ادعای این نوشته قضیهٔ «بعضی رؤیاها منبعی معرفتی برای وقایع فراتر از بدن و جسم رؤیابین هستند». نقیض این قضیه، قضیهٔ «سالبه کلیه خواهد بود: «هیچ رؤیایی نمی‌تواند به عنوان منبعی معرفتی برای وقایع فراتر از جسم و روان رؤیابین باشد»». «منبع معرفت‌بودن رؤیا» را هم می‌توان بر اساس معیارهای قرآنی و روایی مستدل کرد و هم بر اساس معیارهای عام معرفت‌شناختی مبرهن کرد. اهمیت این بحث، از آن جهت است که نه تنها متون دینی، عالمان دینی، دینداران و مردم عادی

* سؤال‌های معرفت‌شناختی دیگری که می‌توان دربارهٔ رؤیا پرسید، عبارت‌اند از: ۱. اگر به معناداری رؤیا قائل شویم، چه کسی می‌تواند این معنا را کشف کند؟ آیا تنها خواص اولیای الهی توان کشف آن را دارند یا زبانی است که با کوشش و تمرین و استقرا می‌توان از دلالت‌های آن آگاه شد. ۲. آیا کشف معنای یک رؤیا برابر است با صادق دانستن آن؛ به بیان دیگر آیا رابطهٔ رؤیا و معنای آن از سنخ رابطهٔ دلالت‌های قراردادی است یا از سنخ رابطه و دلالت‌های طبیعی و عقلی؟ اگر همچون دلالت‌های قراردادی باشد، دلالت مجزای از صدق است و اگر همچون دلالت‌های طبیعی و عقلی باشد، دلالت برابر است با صادق دانستن آن. ۳. اگر بتوان رؤیا را یک منبع معرفتی قابل‌اطمینان (حجت معرفتی) به شمار آورد، آیا این برای خود شخص رؤیابین است یا برای دیگران نیز معرفت‌زاست. ۴. اگر رؤیا را برای دیگران نیز حجت بدانیم، ملاک این سرایت از فرد رؤیابین به دیگری چیست؟...

در فرهنگ‌های گوناگون به بعضی رؤیاها اهمیت می‌دهند، بسیاری از روان‌شناسان و روان‌کاوان و عصب‌شناسان، هرچند در کلاس‌های رسمی دانشگاهی مرتبط با موضوع رؤیا، طرفدار گزاره‌ی سالبه‌ کلیه هستند، اما در زندگی شخصی خود به رؤیاها اهمیت می‌دهند و دلالت‌های فراروانی و فراجسمی برای برخی رؤیاها قائل‌اند (Norton, 2009)؛ با این حال کار علمی و فلسفی لازم برای روشن کردن دلیل اهمیت‌دادن و اعتماد به رؤیا دیده نمی‌شود. این نوشته می‌کوشد گامی در طرح این بحث بردارد.

رؤیا موضوعی میان‌رشته‌ای است که برای بررسی هر بعدی از آن، مراجعه به تخصص‌های فراوانی نیاز است (شکراللهی، ۱۳۹۵). در این نوشته تأکید بر استناد به قرآن و روایات و بعضی ادله عقلی، بر اساس ادبیات معرفت‌شناسی جدید است تا منبع بودن رؤیا برای معرفت مستدل شود.

بحث از معرفت‌شناسی رؤیا از جنبه‌ای در حوزه معرفت‌شناسی دینی قرار می‌گیرد؛ زیرا ادیان به‌طور عام و از جمله دین اسلام – همچنان‌که توضیح خواهیم داد – رؤیا را یک منبع معرفتی به‌شمار می‌آورند. بررسی این پدیده، بررسی یک منبع معرفتی از نظر متون دینی است؛ از سوی دیگر در حوزه کلام جدید قرار می‌گیرد؛ زیرا با طرح دیدگاه‌های گوناگون درباره رؤیا و انکار معرفت‌زابدن آن در خارج از حوزه روان‌انسانی، آن آموزه دینی انکار شده است و باید برای دفاع از آن چاره‌ای اندیشید. از سوی دیگر بحث محض فلسفی در حوزه معرفت‌شناسی است؛ زیرا اگر بخشی از معرفت‌شناسی به دنبال کشف و بررسی اعتبار منابع معرفتی است، یکی از منابعی که می‌توان و باید بررسی کرد، رؤیاهاست. معرفت‌شناسان اگر به منبع بودن رؤیا نیز باور نداشته باشند، باز باید برای رد مدعای رقیب، این موضوع را در کتاب‌های خود بیاورند؛* همچنان‌که فیلسوفان دین باید از این موضوع بحث کنند؛ زیرا یک مدعای عام در ادیان است (Shokrollahi, 2016).

* رؤیا در کتاب‌های مقدماتی معرفت‌شناسی مورد بحث نیست؛ زیرا این کتاب‌ها از منابع دست اول که خود بر هیچ منبع دیگری متکی نیستند، سخن می‌گویند و منابعی مانند رؤیا، اگر منبع معرفتی بودن آن نیز اثبات شود، اعتبار آن بر پایه منابع دست اول است و در کتاب‌های فرعی تر باید بحث شود.

این نوشته در چند بخش عرضه می‌شود: ابتدا توضیح مختصری درباره مفهوم «منبع معرفت» از نگاه منابع اسلامی و معرفت‌شناسی جدید لازم است؛ پس از آن گزارش مختصری از تعابیری که برای رؤیاهای معرفت‌زا در کتاب‌های اسلامی وارد شده است؛ سپس برخی دلایل قرآنی، روایی و عقلی را ذکر می‌کنیم. اشاره‌ای به سیره صاحب‌نظران در استناد به رؤیا، بخش پایانی خواهد بود.

۱. مفهوم «منبع معرفت»

ادعا این است که رؤیا منبعی است که قابلیت تولید معرفت را دارد. مقصود از «معرفت» چیست؟ دست‌کم شرط برای تحقق معرفت آن است که باور، موجه باشد؛ یعنی بر اساس منابع معتبر معرفتی، توجیهی برای آن ارائه شده باشد. پس «منبع معرفت»، یعنی آنچه یک باور بر اساس آن توجیه و مستدل می‌شود. منابع معتبر برای «باور دینی - اسلامی» در بعضی از رشته‌ها - از جمله اصول فقه و روش‌شناسی تفسیر - بحث می‌شود؛ ولی در این دو رشته از منابعی سخن می‌گویند که می‌توان بر اساس آنها - مستقیم یا با واسطه - به یک باور دینی در حوزه اعتقادات و احکام شرعی دست یافت یا - به تعبیر دیگر - کلام یا حکمی را به خدا یا اولیای دین نسبت داد؛ اما از اعتبار و شرایط اعتبار منابع عام معارف معمول بشری مانند حس، حافظه، درونگری، شاهد و... از نظر متون دینی سخن نمی‌گویند.* حال پرسش این است که آیا بر اساس منابع معتبر دست اول دینی - یعنی قرآن و روایات - می‌توان منبع معرفت‌بودن رؤیا را موجه نمود؟** پاسخ مثبت است. ادله معتبر دینی، رؤیا را منبعی برای باور موجه قلمداد

* اگر بخواهیم از منابع معرفتی مورد پذیرش متون دینی سخن بگوییم که در همه جوانب زندگی بشری به کار گرفته می‌شود که بسیاری از این منابع همان منابع مورد قبول معرفت‌شناسی رایج نیز هست و البته منحصر در آن نیست، در این صورت به شاخه دیگری از دین‌پژوهی نیاز است که شاید بتوان آن را «معرفت‌شناسی دینی» نام گذاشت.

** مقصود این نوشته آن نیست که قلمرو کاربرد رؤیا را مشخص کند؛ بر این اساس سخن از اینکه آیا رؤیا می‌تواند منبعی برای باورهای دینی باشد یا خیر، یا منبع‌بودن آن منحصر در بعضی از باورهای دیگر در زندگی روزمره است، خارج از مقصود این نوشته است.

می‌کنند. ادله‌ای که در این نوشته به آن استناد خواهد شد، آیات قرآن، روایات و دلیل عقلی است.*

در کتاب‌های رایج در حوزه معرفت‌شناسی، منابع پایه‌ای (Basic Sources) معتبر مورد توافق نسبی عبارت‌اند از ادراک حسی، حافظه، درونگری، عقل و شاهد (Audi, 1998, p.6). رؤیا جزو این منابع پایه‌ای مورد توافق نیست. بر همین اساس در کتاب‌های معمول معرفت‌شناسی موضوع بحث نخواهد بود. حال پرسش در این بخش، آن است که آیا بر اساس همین منابع پایه‌ای می‌توان بر منع بودن رؤیا برای برخی آموزه‌ها استدلال کرد و «رؤیا» را منبع معرفتی درجه دوم** به شمار آورد؟ به نظر می‌رسد - همچنان‌که در مباحث آینده خواهیم آورد - پاسخ این پرسش مثبت است.

۲. تعبیری برای رؤیای معرفت‌زا

برای رؤیاهای معرفت‌زا در کتاب‌های اسلامی تعبیر فراوانی به کار رفته است؛ همچون «رؤیای صادق»، «بشری»، «مبشر»، «رؤیای صالحه» و «رؤیای حسنه». از میان این تعبیرها، تعبیر «رؤیای صادق» رواج بیشتری دارد. این تعبیر در آیات قرآنی نیامده است؛ اما واژگانی در آیات قرآن آورده شده که می‌تواند ریشه رواج این تعبیر باشد. آیه ۲۷ سوره فتح درباره رؤیای پیامبر اکرم ﷺ است: «لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ: خداوند آنچه را به پیامبرش در عالم خواب نشان داد، راست گفت». همچنین درباره قصه رؤیای حضرت ابراهیم ﷺ می‌فرماید: «قد صدقت الرؤیا» (صافات: ۱۰۵)؛ یعنی آن رؤیا را تحقق بخشیدی و به مأموریت خود عمل کردی. در روایات

* روشن است که در این نوشته نیازی به ورود به مبانی این بحث نیست که بررسی کنیم منابع معتبر دینی کدام است.

** مقصود ما از منابع درجه دوم همین مطلب است که بر اساس منابع درجه اول اعتبار «منبع معرفتی بودن» آن به دست آمده باشد. این اصطلاح را می‌توان در دیگر منابع همچون «کشف» و «وحی» نیز به کار گرفت؛ یعنی بر اساس حس، استقراء، عقل و... حجیت معرفت مبتنی بر این پدیده‌ها احراز شود؛ مگر آنکه کسی اساساً استدلالی بیاورد و این منابع را در عرض منابع دسته اول بیاورد و نوعی معرفت‌شناسی اصلاح‌شده را بی‌ریزی کند.

این تعبیر به کار رفته است؛ برای نمونه رسول اکرم ﷺ می فرماید: «الرؤیا الصادقه جزء من سبعین جزء من النبوه» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۸، ص ۱۷۱). ابن سینا در شفا اصطلاح رؤیای صادقه و کاذبه را به کار می برد (ابن سینا، ۱۳۷۵، ص ۲۳۵)؛ ولی در اشارات این تعبیر را به کار نمی برد و در توضیح این نوع از رؤیاهای، به «دستیابی به غیب» تعبیر می کند (همو، ۱۹۹۳، نمط دهم، فصل هشتم). واژه «مبشره» در قرآن به معنای رؤیای واقع نما نیامده است؛ اما واژه «بشری» در آیه «لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» (یونس: ۶۴) در برخی روایات آمده است که منظور از بشرای در دنیا، همین رؤیاهای حسنه است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ح ۶۰)؛ اما در روایات از واژه «مبشرات» استفاده شده است. در روایتی از امام رضا علیه السلام درباره پیامبر اکرم ﷺ آمده است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ هَلْ مِنْ مَبَشَّرَاتٍ يَعْْنِي بِهَ الرَّؤْيَا» (همان، روایت ۵۹). در روایت دیگری هم کلمه مبشرات آمده است و هم رؤیای صالحه «عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ أَلَا إِنَّهُ لَمْ يَبْقَ مِنْ مَبَشَّرَاتِ النَّبُوَّةِ إِلَّا الرَّؤْيَا الصَّالِحَةُ يَرَاهَا الْمُسْلِمُ أَوْ تُرَى لَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۸، ص ۱۹۲).

منظور از رؤیاهای معرفت‌زا که بیشتر از آن تعبیر به «رؤیای صادقه» تعبیر می کنیم، رؤیاهایی درست و مطابق با واقع است (سجادی، ۱۳۷۰، ص ۴۳۳) که این تعریف می تواند شامل دو نوع رؤیا بشود: ۱. رؤیاهای مطابق با واقع که برای کشف آن نیاز به تعبیر یا تأویل نیست. ۲. رؤیاهایی که مطابق با واقع است، خواه نیاز به تعبیر داشته باشد یا نداشته باشد. منظور ما از رؤیای معرفت‌زا معنای دوم است؛ ولی گاهی مقصود از رؤیای صادقه نوع اول را در نظر دارند. تذکر این نکته لازم است که منظور از رؤیای صادقه در این نوشته رؤیاهایی است که بر پدیده‌ای در بیرون از جسم و روان دلالت می کند. اما به یک معنای عام می توان رؤیاهایی که از واقعه‌ای از جسم و روان خبر می دهد را نیز رؤیای صادقه نامید؛ زیرا حاصل خیال‌پردازی محض نیست، بلکه از واقعه‌ای پنهان در روان (آرزوها و...) و مشکلات جسمی ما را باخبر می کند.

۳. ادله مؤید

ادله مؤید برای «منع معرفت» بودن رؤیا را در چند بخش عرضه می‌کنیم: ادله قرآنی، ادله روایی و ادله عقلی. پس از آن برای تأیید، به سیره عالمان اسلامی اشاره می‌کنیم.

۳-۱. ادله قرآنی

در قرآن چند رؤیا ذکر شده است: رؤیای حضرت ابراهیم علیه السلام درباره قربانی کردن فرزند (صافات: ۱۰۲)؛ رؤیای حضرت یوسف علیه السلام در خصوص سجده کردن یازده ستاره و خورشید و ماه (یوسف: ۴)؛ رؤیای هم‌زندانی‌های حضرت یوسف علیه السلام (یوسف: ۳۶)؛ رؤیای پادشاه مصر (یوسف: ۴۳)؛ رؤیای رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره فتح مکه (فتح: ۲۷) و رؤیای پیامبر صلی الله علیه و آله در شب جنگ بدر (انفال: ۴۳). این آیات تنها در یک سوره یا درباره یک شخص خاص نیست؛ بیننده رؤیا گاهی یک پیامبر الهی (پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله) یا حضرت ابراهیم علیه السلام است و گاه فردی عادی مانند پادشاه مصر و هم‌زندانی‌های یوسف است. موضوع رؤیا گاهی یک مسئله نسبتاً کم‌اهمیت است؛ مانند اینکه شخص از زندان آزاد خواهد شد و به دربار پادشاه باز می‌گردد یا مسئله‌ای مهم درباره سرنوشت یک کشور در چهارده سال آینده است که در رؤیای پادشاه مصر رخ داد. گاه موضوع آن، اتفاق جزئی است که در آینده رخ می‌دهد، مانند آزاد شدن همراهان حضرت یوسف علیه السلام از زندان و گاهی خبر مهمی از آینده است، مانند فتح مکه یا قحطی مصر. گاهی خبر از آینده نیست؛ بلکه یک امر الهی است برای انجام یک فعل که در رؤیای حضرت ابراهیم علیه السلام مطرح شده است. گاه رؤیایی است که طبق همان ظاهر رخ می‌دهد، مانند رؤیای حضرت محمد صلی الله علیه و آله درباره فتح مکه و گاهی باید تعبیر شود، مانند رؤیای حضرت یوسف علیه السلام و رؤیای پادشاه مصر. گاهی رؤیا برای تقویت قلب رؤیابین است، مانند رؤیای شب بدر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که جمعیت کافران کم نشان داده شد... . تقسیمات دیگری نیز می‌توان از رؤیاهای قرآنی مطرح کرد که در اینجا مد نظر این نوشته نیست. در همه این موارد نگاه قرآن به رؤیا مثبت است و آن را اطلاع‌بخش می‌داند و دلیلی

خلاف این ادعا نداریم. در آیه مبارکه «وَ كَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رُبُّكَ وَ يُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ: و این گونه پروردگارت تو را بر می‌گزیند و از تعبیر خواب‌ها به تو می‌آموزد» (یوسف: ۶)، از زبان یعقوب رضی الله عنه از وجود دانش «تأویل الاحادیث» که همان «تعبیر رؤیا» است، سخن به میان آمده است و به دلالت التزام بر منبع معرفت‌بودن «رؤیا» دلالت می‌کند. بله، رؤیای درست شرایطی دارد و کشف معنای آن نیز توانایی‌هایی می‌خواهد و هر کسی توان فهم آن را ندارد؛ همچنان‌که در تعبیر رؤیای پادشاه مصر آمده که خواب‌گزاران آن را نتوانستند تعبیر کنند و گفتند که اضغاث احلام است؛ اما سخن در اصل مطلب است نه در شرایط.

۳-۲. ادله روایی

روایات زیادی درباره رؤیا و معرفت‌زایی آن آمده است که می‌توان ادعای تواتر معنوی کرد؛ یعنی یک لفظ خاص تکرار نشده است، بلکه چندین مطلب آمده است که هر چند جنبه‌های گوناگونی از مسئله رؤیا را توضیح می‌دهد، اما مضمون واحدی در آن دیده می‌شود و آن، اعتبار رؤیا به صورت فی‌الجمله است. اندک جست‌وجویی در کتاب‌هایی روایی که با پیدا کردن واژه رؤیا، تعبیر، مبشرات و... انجام شود، گستردگی این روایات آشکار می‌شود. روایاتی که تذکر می‌دهند برای تعبیر به چه کسی رجوع کنید (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۳۳۶) یا تعبیری که ائمه علیهم‌السلام از برخی رؤیاهای اطرافیان خود ارائه داده‌اند (همان، ص ۳۳۵)؛ اینکه رؤیای مؤمن درست است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۸، ص ۱۷۶) و... برای نمونه باب ۴۴ (حقیقة الرؤیا و تعبیرها) از جلد ۵۸ بحارالانوار روایات فراوانی در این باره نقل کرده است. البته گاهی در روایات هشدار داده شده که انواعی از رؤیا وجود دارد و اینکه در برخی موارد نمی‌توان به رؤیا تمسک کرد و در بعضی موارد تعبیرات افرادی تخطئه شده است. ذکر چند روایت برای مقصود این نوشته کافی به نظر می‌رسد:

۱. روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده که «ان الرؤیا الصادقة جزء من سبعین جزء من

النبوة» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۸، ص ۱۷۱ / دیلمی، ۱۴۰۸، ص ۴۳۸). در این روایت هم به معرفت بخشی بعضی از رؤیایا توجه داده شده است، زیرا آن را جزئی از نبوت بیان کرده‌اند، هم اینکه آن را مقید به فرد خاصی نکرده‌اند؛ یعنی این امکان وجود دارد که هر فردی رؤیای صادقی ببیند.

۲. در روایت دیگری آمده است که «ان رؤیا المؤمن صحیحه لان نفسه طیبه و یقینه صحیح و تخرج فتتلقى من الملائکه فهمی وحی من الله العزیز الجبار و قال ینقطع الوحی و بقی المبشرات الا و هی نوم الصالحین و الصالحات: رؤیای مؤمن صحیح است؛ زیرا نفس او پاک است و یقینش درست است. نفس او [هنگام خواب از بدن] خارج می‌شود و از ملائکه مطالبی را دریافت می‌کند. این وحی‌ای است از سوی عزیز جبار. آن حضرت فرمود که وحی به پایان رسید و مبشرات باقی ماند. آگاه باشید که مقصود از مبشرات، خواب مردان و زنان صالح است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۱۷۶). در این روایت نیز حجیت و معرفت بخشی برای رؤیا بیان شده است و آن را در راستای وحی قرار داده‌اند؛ ولی یک قید زده‌اند که رؤیای افراد مؤمن و صالح این گونه است.*

۳. شیخ طوسی نیز در امالی نقل می‌کند «اذا تقارب الزمان لم تکد رؤیا المؤمن تکذب و اصدقهم رؤیا اصدقهم حدیثا» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۸۶). هنگامی که آخرالزمان نزدیک شود، رؤیای مؤمن دروغ نخواهد بود. کسانی صادق‌ترین رؤیایا را می‌بینند که راستگوترین‌اند.

اما این تأیید بی‌قید و شرط نیست. در برخی روایات، رؤیایا به رؤیای صالحه تقسیم شده که بشارتی از خداست و رؤیایی که از شیطان است برای محزون کردن و رؤیایی که شخص با خود سخن می‌گوید (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۱۹۲). این روایات نشان از آن دارد که هرچند رؤیایا منبعی الهی برای معرفت به بعضی امور هستند، ولی

* در این روایت شریفه قیدی نیامده که چه سنخ اطلاعاتی باید از رؤیای صادقه انتظار داشت. همچنان‌که در اول نوشته آوردیم، گستره‌ای که رؤیا می‌تواند معرفت بخش باشد، مد نظر این نوشته نیست. در این روایت شریفه که نفس طیبه و ارتباط با ملائکه را مطرح کرده‌اند، به بخشی از هستی‌شناسی رؤیای صادقه نیز اشاره کرده‌اند که مقصود ما در این نوشته نیست.

به سادگی نمی‌توان به معنای یک رؤیا دست یافت و نوع آن را مشخص کرد. این روایات در کنار هم، بر این مطلب دلالت دارند که کارهای تحقیقی و جدی درباره فهم معنا و انواع رؤیاها لازم است تا بتوان بر رؤیاهای خاصی اعتماد کرد.*

۳-۳. ادله عقلی

مهم‌ترین دلیل عقلی که درباره رؤیاهای صادق وجود دارد، توجه به تجارب خود و کسانی است که در اطراف ما هستند. این مطلب آن قدر شایع است که ابن‌سینا بر اساس حتمی بودن آن، به امکان مکاشفات در بیداری استدلال کرده است. شیخ‌الرئیس در فصل هشتم از نمط دهم اشارات می‌نویسد: «تجربه و قیاس هماهنگ هستند که نفس انسانی به گونه‌ای در حالت خواب به غیب دسترسی پیدا می‌کند؛ پس مانعی ندارد که این دسترسی در حالت بیداری نیز روی دهد» (ابن‌سینا، ۱۹۹۳، ج ۴، ص ۱۱۹). استدلال ابن‌سینا بر وقوع رؤیای صادق، تجربه هرروزه ماست. او می‌نویسد: «اما دلیل تجربی عبارت است از شنیدن از دیگران و دانش ما نیز گواه آن است و کسی نیست که آن را در نفس خویش تجربه نکرده باشد؛ تجربه‌ای که الهام‌بخش تصدیق است، مگر کسی که مزاج فاسد داشته باشد و قوه تخیل و حافظه او خفته باشد» (همان). هر کس در اطراف خود بنگرد، همچنان که ابن‌سینا می‌گفت، از این نوع رؤیاها فراوان می‌یابد. حتی اگر کسی بر رؤیاهای خود در طولانی مدت دقت کند، به چنین رؤیاهایی در میان رؤیاهای خود خواهد رسید.**

* این، همچون دیگر منابع معرفت است که در شرایط اعتماد به آن باید مباحث درازدامنی طرح شود. مگر به سادگی می‌توان به هر روایتی تمسک کرد؛ مگر به سادگی می‌توان به هر شنیده و دیده‌ای تمسک کرد. مباحث اصول به شرایط اعتماد به منابع دینی - همچون روایات - برای کشف حکم شرعی می‌پردازد و کتاب‌های معرفت‌شناسی به شرایط اعتماد به منابع عام معرفتی نظر دارد. کار سنگین علمی بی‌گمان در اعتماد به رؤیاها لازم است.

** ذکر نمونه‌های فراوانی که از زندگی شخصی یا از شنیدن از دیگران می‌توان آورد، در اینجا ضرورتی ندارد. در این مدت چند سالی که روی موضوع رؤیا کار می‌کنم، رؤیاهای صادق زیادی نیز در زندگی خانواده شهدا، مردم عادی دیگر، شاگردان و... دیده‌ام که خود کتاب مفصلی است. در بنیاد شهید کرج

تحلیل این دلیل بر اساس اصطلاحات رایج معرفت‌شناسی

بر اساس دو مبنای رایج در ساختار ابتدای معارف بر منابع معرفتی رایج یا - به بیان دیگر - ساختار توجیه معارف بر منابع معرفتی، یعنی مبنای‌گرایی و انسجام‌گرایی، می‌توان بر منبع‌بودن رؤیا استدلال کرد.

الف) مبنای‌گرایی

طبق نظریه مبنای‌گرایی، ساختار پیکره معارف ما یا ساختار باورهای موجه ما به‌گونه‌ای است که (اعتبار) هر معرفت یا باور موجه غیرمستقیم [اشتقاقی] بر پایه معارف یا باورهای موجه مستقیم [بدیهی یا پایه] است؛ یعنی باورهای موجه یا معارف غیربنیادین (غیرمبنایی) بر باورهای موجه یا معارف بنیادین مبتنی است (Audi, 1998, p.188). منظور از معرفت یا باور موجه غیرمستقیم، باورهای موجهی‌اند که مستقیم از منابع معرفتی به دست نیامده است؛ بلکه اعتبار خود را از معارف یا باورهای موجه دیگر به دست آورده‌اند. البته در دیدگاه‌های مختلف مبنای‌گرایانه تفاوت‌هایی در مفهوم «مبتنی‌بودن» وجود دارد. یک مبنای‌گرایی شدید (Strong Foundationalism) ممکن است بگوید که تمام باورهای موجه غیرمبنای (غیرمستقیم) همه توجیه خود را از باورهای مبنایی به دست می‌آورند؛ اما یک نظریه متعادل‌تر مبنای‌گرایانه ممکن است صرفاً بگوید که توجیه باورهای غیرمستقیم از باورهای مستقیم جدا نیست؛ اما عوامل دیگری را - از جمله انسجام‌داشتن - با باورهای دیگر شرط کند (Ibid).

گفتیم باورهای موجه مستقیم تنها بر منابع معرفتی تکیه می‌کنند. اینکه منابع معرفتی چیست، طبیعتاً میان معرفت‌شناسان اختلاف است؛ اما به‌طور معمول درباره بعضی منابع معرفتی توافقی میان معرفت‌شناسان دیده می‌شود. این منابع عبارت‌اند از «ادراک حسی،

فیلم‌های زیادی موجود است که رؤیاهای صادقه خانواده شهدا ثبت شده است. شاگردانی دارم که کثرت دیدن رؤیاهای مربوط به وقایع روزهای آینده زندگی خود او و دیگران امری عادی در زندگی او شده است و تا حدی او را به زحمت انداخته است.

درونگری، شهود (عقلی)، حافظه و گواهی» (شمس، ۱۳۸۴، ص ۱۳۳). تنها خاطره، ادراک حسی و درون‌نگری (Introspection) مورد نیاز ماست.

همچنان‌که پیش از این گفتیم، در اینجا می‌پذیریم که رؤیا یک منبع دست اول معرفتی نیست؛ اما آیا بر اساس منابع دست اول مورد پذیرش معرفت‌شناسان، طبق نظریه مبنای‌گرایی می‌توان بر منبع بودن رؤیا استدلال کرد؟ پاسخ مثبت است. اینکه «رؤیا منبع معرفتی است» خود یک باور است. اعتبار آن بر پایه هیچ یک از منابع دست اول معرفتی، به صورت انفرادی نیست. توجیه این گزاره، متکی بر گزاره‌هایی است که از خاطره ما درباره یک پدیده درونی است که برای ما رخ داده است و تجارب مبتنی بر حس به دست می‌آید؛ پس سه منبع معرفتی در اینجا حضور دارد: خاطره، درون‌نگری و تجارب مبتنی بر حس. با این توضیح که هر کدام از ما با درون‌گری می‌دانیم که رؤیاهایی را هنگام خواب دیده‌ایم. در این رؤیاها وقایعی را می‌بینیم، اینکه مسافری می‌آید، شیری می‌نوشم یا گاو لاغری گاو چاقی را می‌خورد و... از سوی دیگر یک گزاره شرطیه نیز از نظر طرفداران اطلاع‌بخش بودن رؤیا وجود دارد که اگر در رؤیا ببینید که واقعه «الف» اتفاق رخ داده، پس واقعه «الف» - در صورتی که تعبیر نخواهد - یا واقعه «ب» - در صورتی که آن رؤیا نیاز به تعبیر داشته باشد - رخ می‌دهد. این گزاره شرطیه را یا از دین گرفته‌ام یا از یک معبر شنیده‌ام - که به صورت کلی بیان کرده یا، در مورد خاص، یک رؤیا به من گفته است - یا از فرهنگ عمومی آموخته‌ام یا ممکن است کسی بر اساس تحلیل رؤیاهای خود در طولانی مدت، منطق حاکم بر رؤیاهای خود را به دست آورده باشد. تفاوتی نمی‌کند که این گزاره شرطیه را از کجا آورده‌ام؛ زیرا این گزاره شرطیه با تجربه سنجیده می‌شود و این آزمون در تجربه شخصی و - از سوی دیگر - در تجاربی که از دیگران شنیده‌ایم، همچنان‌که ابن‌سینا نیز اشاره کرده است، محک خورده است.

دو مسئله اول، یعنی اینکه ما رؤیاهایی می‌بینیم و اینکه در این رؤیاها وقایعی را مشاهده می‌کنیم، بر پایه درون‌گری است که یکی از منابع اصلی معارف بشری است. تایید گزاره سوم نیز مبتنی بر مشاهده‌ها و تجربیات است، البته به صورتی جزئی؛ یعنی

گاهی مطابق تعبیر و پیش‌بینی، امری رخ می‌دهد و گاهی چنین اتفاقی نمی‌افتد. می‌دانیم که این موارد خطا، در بیشتر علوم روی می‌دهد، مانند پیش‌بینی هواشناسی در آمدن برف و باران و رخ‌ندادن آن در بعضی موارد یا پیش‌بینی یک پزشک در بهبود یک بیماری، در صورت استفاده از فلان دارو و بهبودنیافتن آن در برخی موارد. همچنان‌که در علوم گوناگون می‌کوشند شرایط را دقیق‌تر بررسی کنند، این روش و شیوه در رؤیا نیز می‌تواند در نظر گرفته شود؛ بلکه باید در نظر گرفته شود که خود، نیاز به پژوهش‌های گسترده به یاری رشته‌های فراوان است که پیش‌تر به ماهیت میان‌رشته‌ای بودن این رؤیا اشاره کردیم (Shokrollahi, 2016).

ب) انسجام‌گرایی

قرائت‌های گوناگونی از انسجام‌گرایی مطرح است. باورمحوری در نظریه‌های انسجام‌گرایانه این است که توجیه یک باور بر پایه سازگاری آن باور با دیگر باورهایی است که یک شخص دارد (Audi, 1998, p.189). طبیعی است که مقصود در این نوشته گزارش یا بررسی درستی یا نادرستی یا نقصان این نظریه نیست، بلکه مقصود آن است که با فرض درستی این مبنا، آیا می‌توان از گزاره «رؤیا منبع معرفت است»، دفاع کرد یا خیر؟

بر اساس این نظریه نیز پاسخ مثبت است؛ زیرا هیچ تعارضی میان این باور و دیگر باورهای ما بر پایه منابع دست اول وجود ندارد. بیشترین انتقادهایی که به معرفت‌بخشی رؤیاها شده است، به لوازم یا مدعیات هستی‌شناختی آن شده است؛ زیرا در رؤیاشناسی ادیان، عارفان و فیلسوفان الهی یا در رؤیاشناسی اسطوره‌ای، سخن از خدایان و عوالم ماورای طبیعت و سفر روح به آن عوالم به میان آمده است و این مدعیات در ادعایی که در این نوشته مطرح است، حضور ندارد؛ هرچند تعارضی با آن ندارد و در نوشته‌های دیگری باید هستی‌شناسی رؤیا بررسی شود.

توضیح بیشتر اینکه اگر انسجام‌گرایی را به معنای «لزوم سازگاری باورهای یک

شخص با دیگر باورهای خود او، نه لزوماً با باورهای افراد دیگر» در نظر بگیریم که ظاهر تعاریف نشان از این دارد، در این صورت کسانی که به مدعیات هستی‌شناختی‌ای که پیش‌تر ذکر کردیم، باور داشته باشند، به‌سادگی می‌توانند باور به معرفت‌بخشی رؤیا را در کنار آن باورها بگذارند، بدون اینکه تعارض و ناسازگاری احساس کنند. کسانی که آن مدعیات را نمی‌پذیرند، یعنی آن مدعیات متافیزیکی و هستی‌شناختی را باور ندارند، باز می‌توانند آسوده‌خاطر دست از آن مدعیات بردارند و تنها به معرفت‌بخشی برخی رؤیاها باور داشته باشند و احتمالاً می‌توانند از جهت هستی‌شناسی به تبیین‌های دیگر تمسک کنند که نیازی به فرض عوالم دیگر در آن نیست؛ اما اگر منظور از انسجام‌گرایی آن است که باورهای یک فرد با دیگر باورهای مورد پذیرش افراد یک جامعه، در یک دوره خاص تعارض نداشته نباشد که این تعریف گسترده از انسجام‌گرایی در جایی دیده نشده و سخت بتوان آن را پذیرفت. همچنان‌که گفتیم نقدهایی که بر وجود رؤیاهای صادقه در برخی دیدگاه‌های رایج عرضه می‌شود، به‌طور معمول بر ابزارهای سنگین متافیزیکی‌ای وارد است که در بعضی از نظریه‌های مدافع معرفت‌بخشی رؤیاها مطرح شده است که به هیچ روی این نوشته فعلاً به آن توجه نمی‌کند.

پس باور به معرفت‌بخشی بعضی رؤیاها با دیگر دانش‌های ما هیچ تعارض و ناسازگاری ندارد؛ زیرا موارد زیادی در کتاب‌ها نقل شده است و اکنون می‌توان هم در تجارب شخصی و هم در شنیده‌های دیگران دید که کسی رؤیایی می‌بیند، دلالت می‌کند اتفاقی در جهان خارج قرار است رخ دهد و در بیداری می‌بیند که این اتفاق می‌افتد. در اینجا چون موارد تکرار می‌شود، طبیعی است که افراد به رؤیاهای خود، به عنوان یک منبع اعتماد کنند؛ اما از سوی دیگر رؤیاهایی می‌بینند، ولی مشاهدات، آن را تأیید نمی‌کند. طبیعی است که در اطمینان به رؤیا به‌طور مطلق باید دچار تردید شوند و از آن یقین پیشین دست بردارند. در این صورت - همچون دیگر منابع معرفتی - باید در بررسی شرایط اعتماد به یک رؤیا درنگ کنند و موارد درست را از نادرست - یا صادق را از کاذب - باز شناسند. در چنین حالتی نیاز به نظریه‌پردازی درباره

معرفت‌بخشی رؤیا داریم که بتواند به صورت جامع‌تری انواع رؤیا را توضیح دهد و شرایط آن را از نظر زمان، جنسیت، سن و... توضیح دهد. دیدگاه‌هایی که مدعای این نوشته - یعنی معرفت‌بخشی بعضی رؤیاها - را انکار می‌کنند، توان توضیح و توجیه رؤیاهای صادق را ندارند.

سیره عالمان

از قدیم تا امروز ادیان و عارفان و برخی فیلسوفان و عالمان دینی به این نظریه - یعنی معرفت‌زاد بودن بعضی رؤیاها - باور دارند. در این مدعا می‌توان به‌صراحت یا به دلالت فحوای کلام در کتاب‌های اندیشوران اسلامی سراغ گرفت: از عارفان (از جمله: قیصری، ۱۳۷۵، ص ۳۰۸-۳۰۹ / آملی، ۱۳۶۸، ص ۴۵۰ / ملکی تبریزی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۱-۱۰۲)، از فیلسوفان الهی (از جمله: ابن‌سینا، ۱۹۹۳، ج ۴، ص ۱۱۹ / طباطبایی، ۱۳۶۰، ص ۴۵) و برخی دیگر از عالمان اسلامی (برای نمونه نایینی، ۱۳۶۱، ص ۴۸ / شوشتری، ۱۳۸۵). به‌طور کلی اندیشوران اسلامی در این گروه قرار می‌گیرند. بیشتر مردم عادی با فرهنگ‌های گوناگون نیز به رؤیاهای خود توجه می‌کنند و در زندگی خود آن را دخالت می‌دهند یا دست‌کم رؤیاها برای آنان مشغله ذهنی ایجاد می‌کند و این توجه در موقعیت‌های حساس بیشتر می‌شود (Norton, 2009) و بسیاری از کسانی که در هنگام بحث‌های جدی علمی، حوزوی و غیرحوزوی به حجیت‌نداشتن رؤیا رأی می‌دهند،* در عمل از کنار رؤیاهای خود به‌سادگی نمی‌گذرند. در این بخش نمی‌خواهیم به روش و سیره معمول مردم استناد کنیم؛ به بزرگانی استناد می‌کنیم که در حوزه‌های مختلف دانش مورد اعتماد اهل فن به شمار می‌روند. گزارش کامل از سیره این بزرگان نیاز به بررسی همه آثار آنان دارد که خود، کار

* به احتمال قوی منظور کسانی که می‌گویند رؤیا حجت نیست، آن است که بر اساس رؤیا نمی‌توان به وجوب، حرمت و... کنونی ملتزم شد. این سخن منافاتی با قول به معرفت‌بخشی رؤیا در دیگر قلمروها ندارد.

پژوهشی گسترده‌ای است. نیاز ما در اینجا با چند گزارش کوتاه نیز پاسخ می‌یابد؛ زیرا با استنادی که به آیات، روایات و دلایل عقلی آوردیم، این دلیل صرفاً مؤیدی است برای رفع استبعاد از مدعای این نوشته، نه بیشتر.

-/بن‌عربی* در ابتدای کتاب **فصوص‌الحکم** می‌نویسد: «من هنگامی که در سرزمین دمشق بودم، در مبشره‌ای در دهه آخر محرم سال ۶۲۷ قمری، رسول‌الله ﷺ را دیدم که دست ایشان کتابی بود، به من فرمودند که این کتاب **فصوص‌الحکم** است؛ آن را بگیر و به مردم برسان تا از آن بهره ببرند. عرض کردم که مأمورم و گوش به فرمان خداوند و پیامبر او و اولی‌الامر هستم» (قیصری، ۱۳۷۵، ص ۳۰۸-۳۰۹). شارحان **فصوص** گفته‌اند که منظور از مبشره، رؤیای مبشره است (همان).

در جایگاه بلند کتاب **فصوص‌الحکم** در عرفان اسلامی و جایگاه عرضه‌کننده آن، محی‌الدین توافقی میان محققان عرفان اسلامی وجود دارد. چنین کتاب مهمی را که نویسنده آن به رؤیای خود مستند می‌کند، نشان از جایگاه و معرفت‌بخش بودن رؤیا از نگاه این شخصیت طراز اول عرفان اسلامی رایج دارد.

- از فقیهی نام می‌بریم که دقت و سخت‌گیری او در پذیرفتن یک نظر مورد اتفاق است. مرحوم **نایینی** در کتاب **تثبیه‌الامه** اصل مشروطه و همچنین نوشتن کتاب خود را به استناد یک خواب، مورد تأیید امام زمان علیه‌السلام می‌داند. علامه **نایینی** می‌نویسد: در خواب، **میرزا حسین تهرانی** را دیدم و پرسیدم که ولی عصر علیه‌السلام اهتمام‌های شما را درباره مشروطیت چه فرمودند؟ جواب این بود که حضرت فرمودند: مشروطه اسمش تازه است، ولی مطلب قدیمی است. مثالی که در بردارنده تشبیه باب که شرحش در نظرم نماند، ذکر فرمودند؛ سپس با این عبارت گفتند: حضرت فرمود مشروطه آن است که کنیز سیاهی را که دستش آلوده باشد، به شستن

* محی‌الدین درباره رؤیا در فص یوسفیه و اسحاقیه **فصوص‌الحکم** و فتوحات و دیگر آثار، سخنان فراوانی دارد. همچنان‌که عقیقی نیز اشاره می‌کند، او از جنبه فلسفی، علم‌النفس و عرفانی این موضوع را بررسی کرده و جمع‌بندی سخنان او کار آسانی نیست (عقیقی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۵). توضیح سخن او در یک نوشته محدود نمی‌گنجد و از خداوند توفیق تکمیل نوشته‌ای را می‌خواهم که در دست است.

دست وادارش کنند (نایینی، ۱۳۶۱، ص ۴۸). بعد نایینی می‌افزاید: چه قدر این مثال مبارک منطبق بر مطلب و چه سهل و ممتنع است که به هیچ ذهنی نرسیده و بر صحت رؤیا افزون بر قرائن قطعی دیگر اماره واضح است (همان) در صفحه‌های پایانی رساله مرحوم نایینی - پس از اشاره دوباره به این رؤیا - می‌نویسد: حقیر سؤال کردم که رساله‌ای که مشغولش هستم، حضور حضرت مطبوع است یا نه؟ فرمودند بلی، مطبوع است مگر دو موضع (همان، ص ۱۴۱-۱۴۲). نایینی توضیح می‌دهد که آن دو فصل درباره اثبات نیابت فقهای عدول عصر غیبت در اقامه وظایف راجعه به سیاست امور امت و فروع مرتبه بر آن بود (همان، ص ۱۳۹) که نایینی بر اساس این خواب، این دو فصل را از رساله حذف کرد.

سخن در این نیست که آیا نایینی از نظر روشی کار درستی کرد که به این رؤیا استناد کرد و کتاب خود را مورد تأیید امام زمان عجلتعالیه دانست و بر اساس آن رؤیا، بخشی از کتاب خود را اصلاح کرد؛ بلکه سخن در اصل اعتماد یک فقیه بزرگ دقیق‌النظری - مانند نایینی - به یک رؤیا درباره یک کتاب سرنوشت‌ساز در دوره جدید است؛ همچنان که می‌دانیم کتاب تنبیه‌الامه که مربوط به نظریه‌پردازی درباره نهضت مشروطه است، از کتاب‌های مهم درباره یک واقعه سرنوشت‌ساز در تاریخ ملت ایران است.

- مرحوم میرزا جواد آقا ملک تبریزی در کتاب لقاءالله می‌نویسد: ممکن است خداوند به جواد، در همین خواب، چنان که برای انبیا، اولیا و مؤمنان در حال خواب، موهبت‌های عظیمه عنایت فرموده است، به او هم عنایت فرماید؛ حتی من خبر دارم بعضی را در حال خواب وسط روز، معرفت نفس دست داده بود... ای بسا معارف که از رؤیاها برای سالکان کشف شده و... در تفسیر «أَلْهَمُ الْبَشَرِي فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ: در زندگی دنیا و آخرت، برای آنان بشارت و سرور است» (یونس: ۶۴) روایتی وارد شده که بشری در دنیا عبارت از رؤیاهاى مبشره است که در دنیا، خود بنده یا دیگری در حقیقت می‌بیند (ملکی تبریزی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۱-۱۰۲). اگر در نظر بگیریم که معرفت نفس نافع‌ترین معارف است و آن‌گاه گوینده این سخن را در نظر داشته باشیم که یکی از

اخلاقیان بزرگ و متشع در سده اخیر است، روشن می‌شود که اعتماد به رؤیا نزد این بزرگان بر چه پایه بلندی بوده است و در این راه، قدمی از قرآن و سنت که انحراف رخ نداده است، بلکه کاملاً مطابق آن است.

- علامه طباطبایی نیز می‌نویسد: همه ما یا خودمان خواب‌هایی دیده‌ایم که دلالت بر امور مخفی یا حل مشکلات علمی یا وقوع حوادثی در آینده داشته یا از دیگران این‌گونه خواب‌ها را شنیده‌ایم. این خواب‌ها را، به‌ویژه خواب‌های صریحی که به تعبیر نیاز ندارند، نمی‌توان اتفاقی و به‌طورکلی بی‌ارتباط با جریانی که قابل انطباق با آنهاست، دانست (طباطبایی، ۱۳۶۰، ص ۴۵). در جایگاه علمی علامه طباطبایی جای چون‌وچرا نیست. ایشان در موضوع رؤیا در آثار تفسیری، فلسفی و عرفانی مطالبی دارند که باید مستقل بررسی شود.

- سیدحیدر آملی در جامع الاسرار به یک رؤیای ابن‌عربی اعتراض دارد؛ اما از سویی رؤیا را دارای رتبه‌ای بین وحی و الهام می‌داند (آملی، ۱۳۶۸، ص ۴۵۰) و خود سیدحیدر آملی رؤیاهای زیادی را در تأیید سیره و سخن خود ذکر می‌کند.

- این نمونه‌ها که ذکر کردیم از عالمان اسلامی بود. از دیگران نیز می‌توان مواردی آورد که هرچند سیره و سخن آنان شاید برای دینداران اطمینان‌آور نباشد، تأییدی بر تجربه بشری در این باره است که به چند نمونه اشاره می‌کنیم. یونگ می‌نویسد: این خواب می‌تواند واقعه را پیش از وقوع هشدار دهد (یونگ، ۱۳۷۸، ص ۶۳)* و در کتاب خاطرات، رؤیاها و اندیشه‌ها، خواب‌ها و حالت‌هایی را از خود توضیح می‌دهد (همو، ۱۳۷۰، ص ۳۱۱) که می‌تواند رؤیاهای صادقانه به شمار آید. **/ اریک فروم نیز می‌نویسد: از

* البته یونگ در تبیین این نوع رؤیاها به راهی می‌رود که متفکران اسلامی آن را نمی‌پذیرند؛ یعنی در هستی‌شناسی رؤیاهای صادقانه سخنی می‌گوید که قابل نقد است؛ اما این تفاوت هستی‌شناختی درباره رؤیا به موضوع این نوشته که بررسی بعد معرفت‌شناختی است، ربطی ندارد. او می‌نویسد اغلب پیش‌آگاهی وجود دارد، ولی شناخت نیست. البته این سخن یونگ که این اطلاعات که به ما از طریق رؤیا می‌رسد، در حد شناخت نمی‌توان به آن اطمینان کرد، مطلبی است قابل توجه که بررسی درجه اعتماد به رؤیا در نوشته دیگری باید بررسی شود.

** می‌گوید: این را نباید لزوماً به حساب معجزه و پیشگویی گذاشت. بسیاری از بحران‌های زندگی ما تاریخچه طولانی ناخودآگاه دارند و ما گام‌به‌گام به آن نزدیک می‌شویم، بدون اینکه متوجه خطری که

این نمونه‌ها زیاد می‌توان یافت که مردم برای حل مسائل گوناگون ریاضی، هندسی و فلسفی مدت‌ها سعی و کوشش کردند و مآلاً در رؤیا حل مشکل خود را با کمال وضوح دیده و دریافته‌اند (اریک فرم، ۱۳۸۰، ص ۵۸).

این سخنان که از بزرگان دینی و علمی ذکر کردیم، آن‌گونه نیست که در خلوتی میان دو دوست مطرح شده و شخص دیگری با واسطه نقل کرده که جای شک و تردید باشد. این سخنان در نوشته‌های منتشرشده این بزرگان است. این، نشان‌دهنده آن است که آنان به رؤیاهای خود توجه داشتند و به سادگی با گفتن اینکه رؤیا اعتبار ندارد، از کنار آن نگذشتند؛ بلکه با گفتن این جمله‌ها عملاً به اعتبار آن توجه داده‌اند. در میان این افراد فیلسوف، عارف، فقیه و روان‌کاو دیده می‌شود که هر کدام در حوزه فکری خود از بزرگان آن رشته به شمار می‌آیند. پس اگر کسی ادعا کند که رؤیا منبع معرفتی است، سخن نامعقولی بر زبان نیاورده است.

نتیجه‌گیری

پرسش ما در ابتدای این نوشته آن بود که آیا می‌توان رؤیا را منبعی معرفتی درباره امور غیرجسمانی و روانی دانست. پس از مطالب مطرح‌شده، اکنون می‌توان به این نتیجه نزدیک شد که با وجود ادله قرآنی، روایی و عقلی و سیره بزرگان می‌توان گفت که رؤیا منبع معرفت است؛ اما می‌دانیم که قبول این مطلب آغاز راه بلندی در پیش‌روی ما می‌گذارد که نیازمند سرمایه‌گذاری جدی مراکز پژوهشی حوزوی و دانشگاهی است، تا معیارهای کشف رؤیاهای صادقه از غیر آن و نسبت دانش مبتنی بر رؤیا و دیگر منابع معرفتی دینی و غیردینی و... شناسایی شود. معرفت‌شناسی چنان‌که از شرایط معرفت‌بخشی منابع معمول معرفتی، همچون حس و شهود سخن می‌گوید و یادآور

هر دم فزونی می‌گیرد، بشویم. درواقع آنچه از قلمرو خودآگاه می‌گریزد، اغلب به ناخودآگاه می‌رود که می‌تواند به وسیله خواب به ما ابلاغ شود (یونگ، ۱۳۷۸، ص ۶۳). حتی اگر تبیین یونگ را نیز بپذیریم، باز هم نشان می‌دهد که رؤیا می‌تواند خبر از اتفاقی بدهد که به‌طور معمول من نمی‌توانستم از آن آگاه شوم و تنها رؤیاست که خبرآور شده است.

می‌شود که بسیاری از حواس مبتلای به خطاست، در حوزه معرفت‌شناسی رؤیا نیز تحقیقات درازدامنی لازم است تا بتوان به اطمینان بیشتری از این منبع بزرگ معرفتی و موهبت الهی بهره برد. از گذشته‌های دور تا کنون همیشه کسانی بودند که در پی یافتن معیاری برای تشخیص انواع دلالت رؤیا بودند و - از سوی دیگر - به دنبال تشخیص موارد صادق از کاذب یا موارد معنادار و بی‌معنا بودند. امروزه در راستای دلالت‌های روانی این پدیده نظریه‌پردازی‌هایی می‌شود و کارهای بسیاری صورت می‌گیرد که بسیار ارزشمند است؛ اما از جنبه خبردهندگی از پدیده‌های بیرون از روان، کار چندانی صورت نمی‌گیرد؛ هرچند از این گونه دلالت‌ها فراوان بهره گرفته می‌شود.

رؤیا پدیده‌ای است که باید به صورت میان‌رشته‌ای آن را حل کرد: دینی، روان‌شناختی، عصب‌شناختی، فلسفی، عرفانی و... بی‌توجهی به این پدیده شگفت‌انگیز یا استفاده بدون تحقیق لازم از آن، آفتی رایج است. توجه دادن به دلالت‌های نفس‌شناختی و هستی‌شناختی رؤیا مد نظر این نوشته نیست که مباحث بسیار مهمی است و نیاز به مؤسسه‌هایی دارد که سرمایه‌گذاری کنند و جوانب آن را بررسی کنند. مقصود این نوشته، صرفاً توجه دادن به درستی این باور بود: «بعضی از رؤیاها دلالت بر معنایی فراتر از جسم و روان دارند». این نوشته کوشید - در ذیل ادله قرآنی و روایی - موجه بودن آن را بر اساس دیدگاه‌های اصلی در باب توجیه، شرح دهد. نقد نظریه‌های رقیبی که منکر این ادعا هستند، به نوشته‌های دیگری موکول می‌شود. مدعای این نوشته برای آنکه بتواند به صورت نظریه در بیاید، راه بلندی در پیش دارد. در پایان باید گفت رؤیا حقیقتی پیچیده و بسیار مهم است که مورد غفلت قرار گرفته است. اهل تحقیق می‌دانند که پذیرفتن معرفت‌بخشی برخی رؤیاها چه دنیای وسیعی از پرسش‌های گوناگون را در برابر پژوهشگران قرار می‌دهد که بررسی آن نیاز به کارهای جمعی دارد.

منابع و مأخذ

- * قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی؛ قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۱. آملی، سیدحیدر؛ جامع الاسرار؛ تصحیحات و مقدمه هانری کربن و عثمان اسماعیل یحیی؛ چ ۲، [بی جا]: انجمن ایران شناسی فرانسه، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
 ۲. ابن سینا، حسین بن علی؛ النفس من کتاب الشفاء؛ تحقیق آیت الله حسن زاده آملی؛ چ ۲، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۵.
 ۳. _____؛ الاشارات والتنبیها؛ شرح نصیرالدین طوسی و تحقیق دکتر سلیمان دنیا؛ القسم الرابع، بیروت: مؤسسه نعمان، ۱۹۹۳ م.
 ۴. فروم، اریک؛ زبان از یاد رفته؛ ترجمه ابراهیم امانت؛ چ ۷، تهران: نشر دیدآور، ۱۳۸۰.
 ۵. سجادی، سیدجعفر؛ فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی؛ چ ۱، [بی جا]: انتشارت طهوری، ۱۳۷۰.
 ۶. شکراللهی، نادر؛ «معرفت شناسی رؤیاهای صادق صادق موضوعی میان رشته ای»؛ مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی ضرورت گفت و گو در علوم انسانی، مطالعات میان رشته ای، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات دانشگاه خوارزمی، ۱۳۹۵.
 ۷. شمس، منصور؛ آشنایی با معرفت شناسی؛ تهران: طرح نو، ۱۳۸۴.
 ۸. طباطبایی، سید محمد حسین؛ مباحثی در وحی و قرآن؛ [بی جا]: بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۰.
 ۹. طوسی، محمد بن حسن؛ امالی؛ قم: انتشارات دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
 ۱۰. عقیفی، ابوالعلاء؛ شرحی بر فصوص الحکم؛ ترجمه نصرالله حکمت؛ چ ۲،

تهران: انتشارات الهام، ۱۳۸۶.

۱۱. قیصری رومی، محمد داوود؛ شرح فصوص الحکم؛ به کوشش سیدجلال‌الدین آشتیانی؛ چ ۱، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ بحار الانوار؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. ملکی تبریزی، جوادآقا؛ رساله لقاء الله: ضمیمه رساله لقاء الله امام خمینی علیه السلام؛ به کوشش صادق حسن‌زاده؛ چ ۱، قم: انتشارات آل علی، ۱۳۸۰.
۱۵. نایینی، محمدحسین؛ تنبیه الامه و تنزیه المله یا حکومت از نظر اسلام؛ مقدمه، پاصفحه و توضیحات سید محمود طالقانی؛ چ ۸، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۱.
۱۶. یونگ، کارل گوستاو؛ خاطرات، رؤیاها، اندیشه‌ها؛ ترجمه پروین فرامرزی؛ مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۱۷. یونگ، کارل گوستاو با همکاری دیگران؛ انسان و سمبول‌هایش؛ ترجمه محمود سلطانیه؛ چ ۲، تهران: جامی، ۱۳۷۸.
18. Audi, Robert; **Epistemology, A contemporary introduction to the theory of knowledge**; London and New York: Routledge, 1998.
19. Michael I. Norton, Carey K. Morewedge; “When Dreaming Is Believing: The (Motivated) Interpretation of Dreams”; **Journal of Personality and Social Psychology**, Vol. 96, American Psychological Association, 2009.
20. Shokrollahi, Nader; “Philosophy and Dream”; **Acta Universitatis Danubius**, Vol. 10, No. 2/2016.